آینه

کیهان

دولت افعال معکوس

● **محمد ایمانی:** اگر ذره‌ای کفایت و تدبیر بر خودرأیی و خودکامگی دولت بار بود، باز هم غمش خوردن داشت و قابل تحمل بود. اما هنگامی که می‌بینید خروجی ۴۰ ماه مدیریت، تشدید برخی نابسامانی‌های اقتصادی و بازگشت انواعی از تحریم‌ها با بهانه‌های مختلف است و در همان حال برخی مدیران دولتی و رسانه‌های تحت امر آنها اصرار دارند تصویر وارونه از واقعیات بسازند، دیگر نمی‌توان در برابر این تمامیت‌خواهی نابودکننده فرصت‌ها بی‌تفاوت بود. در و تخته خودرأیی چنان جفت و جور شده که مدیران دولتی در طیفی از موضوعات مهم ملی (از برجام تا قراردادهای نفتی جدید و FATF و برنامه ششم توسعه و...) مجلس را به حاشیه می‌اندازند و نایب‌رئیس پرهیاهو اما بی‌مایه‌ای پیدا می‌شود که با وقاحت بگوید: «۲۰ دقیقه هم برای بررسی برجام زیاد بود.»! آیا نباید برای توافقی که ناظر به سرنوشت ۱۵-۲۰ سال کشور است، به اندازه ۱۵-۲۰ دقیقه وقت گذاشت؟ آیا نباید برای قراردادهای نفتی که در همان غربال اول منتقدان - به اذعان وزیر نفت- ۱۵۰ ایراد از لابه‌لای آن درآمد، ۲۰ دقیقه وقت گذاشت؟ چرا باید دولت برای برنامه پنج‌ساله توسعه کشور لایحه‌ای به مجلس بدهد که حتی صدای برخی کارشناسان اقتصادی حامی دولت هم دربیاید، مبنی بر اینکه کجای این انشای چندصفحه‌ای، برنامه و الزامات توسعه پنج‌ساله نهفته است؟! چرا باید دولت با وجود انتقاد و انذارهای گسترده کارشناسان و نمایندگان صاحب‌نظر، توافق عجولانه‌ای را بپذیرد که امتیازات واگذارشده آن نقد و امتیاز دریافتی نسیه است؟ این چه توافقی است که سخنگوی وزارت خارجه دولت اوباما با گستاخی می‌گوید «ترامپ می‌تواند به شکل یک‌طرفه این توافق را زیر پا بگذارد».

جمهوری اسلامی

در برجام دست بالا را داریم

اگرچه جنبه‌های منفی عملکرد آژانس، در جای خود اهمیت خاصی دارد و نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد و از کنار آن به سادگی گذشت لکن درعین‌حال آمانو در گزارش‌های اخیر خود و در جریان سفر به تهران با صراحت اعتراف کرد که ایران به تمامی تعهدات خود به خوبی عمل کرده و شایسته ستایش و تقدیر است. طبعا موضع ایران پس از انعکاس عملکرد مثبت طرف ایرانی برجام، بسیار تأثیرگذار خواهد بود. مواضع محکم و مستدل مسئولان جمهوری اسلامی در مقابله با عهدشکنی آمریکا تدریجا تأثیرات مورد انتظار خود را به همراه می‌آورد و طرف آمریکایی به‌تدریج نتایج منفی موضع‌گیری‌ها و عملکرد غیرمسئولانه خود را دریافت می‌کند. کارشناسان روسی با توجه به همین واقعیت، تصریح کرده‌اند که دستور رئیس‌جمهور روحانی رویکرد برجامی ایران، آمریکا را عملا در تنگنا گذاشته است. در این زمینه لازم است ایران به روشنگری و مطالبه حقوقش در سطوح مختلف و از هر طریق ممکن بپردازد و عملکرد غیراصولی آمریکا در نقض برجام را در هر فرصتی افشا کند و آثار و تبعات آن را گوشزد نماید. واقعیت این است که آمریکا با عملکرد غیرقانونی اخیر در مقیاس جهانی، خودش را بی‌اعتبار ساخت ولی پافشاری ایران بر مواضع روشن و عملکرد مسئولانه‌اش بر استحکام برجام افزود و میزان اعتبار و استحکام برجام را به نمایش گذاشت. با آنکه امروزه نوعی کشمکش سیاسی در آمریکا حتی در مقیاس رسانه‌ای هم قابل ردیابی و اثبات است ولی رئیس‌جمهور آمریکا بارها به ترامپ و دستیارانش نسبت به عواقب نادیده‌گرفتن برجام هشدار داده و هیأت حاکمه جدید را از گرفتارشدن در این باتلاق و پیامدهای آن بر حذر داشته است. این نکته جای توجه خاص دارد که وزارت خزانه‌داری آمریکا در آخرین بازنگری در شیوه‌نامه اعمال روند لغو تحریم‌ها بر نکاتی تأکید ورزیده و اعلام کرده است: قراردادهایی که قبل از بازگشت تحریم‌ها رسمیت یافته به قوت خود باقی هستند و تقویم تعهدات نیز به قوت خود باقی است و نسبت به آن پایبندی وجود دارد.

شهروند

چند گام قابل توجه در زمینه حقوق شهروندی

باعث تأسف است که به دلیل نداشتن نظام حزبی، دچار این وضعیت می‌شویم که پس از گذشت ۴۰ ماه از آغاز ریاست‌جمهوری، دولت این امکان را بیابد که چنین منشوری را ارائه کند. هرچند به‌طور معمول و براساس منطق نانوشته انتخاب رؤسای‌جمهوری برای دور دوم نیز قطعی تصور می‌شود و آقای روحانی فرصت مناسبی برای پیگیری و اجرای این برنامه خواهد داشت، ولی در هرحال این‌گونه امور باید در قالب احزاب و پیش از انتخابات تهیه و تدوین شود و پس از به‌قدرت‌رسیدن بلافاصله به مرحله اجرا گذاشته شود. اگر توان همه دست‌اندرکاران کشور معطوف به ایجاد یک ساختار حزبی شود، به احتمال فراوان بخش مهمی از مشکلات کنونی جامعه ایران ازجمله رعایت حقوق شهروندی در عرصه سیاست حل خواهد شد. فارغ از این نکته ممکن است برای مردم این پرسش پیش آید که حقوق شهروندی چیست و چگونه تحقق پیدا می‌کند؟ و این منشور چه نقشی در تحقق آن حقوق دارد؟

گفتاری منتشرنشده از شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

نسبت علوم اسلامی با علوم انسانی

شهید بهشتی در مدرسه علوی؛ حسن روحانی نفر دوم ردیف دوم سمت راست

متنی که پیش‌روی شما قرار دارد، گفتاری است از شهید آیت‌الله دکتر بهشتی که در سال ۱۳۵۶ خطاب به طلاب مدرسه منتظریه‌الشمس (حقانی) و در حضور استادان آن ایراد شده است. متن حاضر که برای نخستین بار برای انتشار در اختیار «شرق» قرار داده شده، از سه منظر جالب توجه است. نخست، از منظر محتوای بحث که به تبیین رابطه و نسبت میان علوم اسلامی و علوم انسانی مربوط می‌شود. چنانچه خواهید دید، درک صحیح این رابطه به بیان علل ضرورت آشنایی طلاب علوم دینی به‌طور خاص و علاقه‌مندان به اسلام‌شناسی به طور عام با علوم انسانی جدید می‌انجامد. دوم، شیوه بیان مطلب است که نوع رابطه میان استادان مدرسه با طلاب را به تصویر می‌کشد؛ رابطه‌ای توأم با احترام متقابل اما صراحت و صداقت. سوم، این متن به لحاظ آشنایی با فضای فرهنگی و فکری آن زمان، از منظر تاریخی نیز شایان توجه است، ازجمله برای علاقه‌مندان به شناخت تاریخ فکری ایران معاصر به‌طورکلی و شناخت واقعیت‌های مربوط به مدرسه حقانی به طور خاص؛ واقعیت‌هایی که افسانه‌پردازی‌های موهوم و بی‌پایه رایج در این زمینه را به طور جدی به چالش می‌کشاند. با سپاس از بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.

استقبال جوانان تحصیل‌کرده از علوم انسانی و علوم اسلامی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در این سال‌های اخیر مکرر دوستانی به صورت فردی و گروهی مراجعه کرده‌اند با این سؤال که تو در زمینه کار یک طلبه در زمان ما چه نظر مشورتی می‌دهی؟ منِ طلبه الان چه وظایفی دارم؟ به سوی چه آینده‌ای گامِ برمی‌دارم؟ در این برخوردها، گهگاه فرصتی بوده، ولو کوتاه، که تبادل نظری با این دوستان داشته‌ام. گاهی فرصت نبوده، عذر خواستم؛ عذرخواستنی که در این موارد بسی بر روحم سنگینی کرده است. چقدر برایم رنج‌آور بوده بینم جوان یا جوان‌هایی در این شرایط زمان ما رو به دین و علم دین، قرآن و علم قرآن آورده‌اند، خیال می‌کنند من می‌توانم برایشان مشاور مطلع و امینی باشم. راه درازی را طی می‌کنند، می‌آیند و بعد من باید فقط شرمنده باشم و بگویم فرصت ندارم، فراغت ندارم، آمادگی ندارم. گاهی هم که فرصت شده، خیلی کوتاه تبادل نظر کرده‌ایم. کمتر توفیق داشته‌ام یک تبادل نظر وسیع به نسبت گسترده که لااقل بتواند آنچه در اندیشه من در این زمینه می‌گذرد را برای دوستان بازگو کنم. طبعا این سؤال برای شما دوستان عزیزی که در این مدرسه تشریف دارید هم مطرح است. در مصاحبه‌ها و مذاکرات و برخوردهای حضوری برایمان مسلم و روشن شده است که این سؤال برای شما مطرح است. می‌پرسید ما آمدیم چه کنیم؟ چه رسالتی بر عهده داریم؟ عرایض امروز من لااقل یک پاسخ عمومی است به این سؤال دوستان این مدرسه. توجه شما رفقا را به این نکته جلب می‌کنم که در این ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر، در نسل جوان جامعه ما، توجه چشمگیر و پرارزشی به علوم انسانی به چشم می‌خورد. به غیر از شما دوستان که دانشجویان و طلاب حوزه هستید، جوانانی که به حوزه‌های علمی دیگر یعنی دانشکده‌ها، مدارس عالی و دانشگاه‌ها می‌روند هم با من مأنوسند. در میان این جوانان گرایش جالب، چشمگیر و پرارزش به علوم انسانی روزافزون است. جوان‌هایی هستند سال چهارم رشته‌های فنی پول‌ساز مهندسی که می‌آیند مشورت می‌کنند. مبنای مشورت این است که آقا ما تا اینجا آمده‌ایم، حالا می‌فهمیم اشتباه کرده‌ایم! می‌خواهیم برگردیم به علوم انسانی. حالا به ما بگویید کدام رشته؟ اتفاقا در همین هفته، جوانی که سال دوم پزشکی را دارد با موفقیت پشت‌سر می‌گذارد با همین سؤال آمد. در میان دانش‌آموزان سال‌های پنجم و ششم دبیرستان، برخی از کسانی که تحصیلاتشان در ریاضی و علوم تجربی خیلی خوب است و می‌توانند به رشته‌های دانشگاهی متناسب با این مواد بروند، مرتب مراجعه می‌کنند که ما می‌خواهیم با دیپلم ریاضی با معدل ممتاز، یا دیپلم طبیعی با معدل ممتاز، برویم به رشته‌های علوم انسانی. دوستان لابد با اصطلاح علوم انسانی آشنایی دارید. امروز شاخه‌های علمی به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: علوم طبیعی، علوم انسانی و کاربرد هر دو در فنون. علوم طبیعی، علومی هستند که در زمینه شناخت طبیعت و اشکال و تطورات و پدیده‌ها و روابط این پدیده‌ها کاوش می‌کند. شاخه‌های آن شیمی، فیزیک، زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی است که خود آنها زیرشاخه‌های مختلفی دارند که می‌رسد به حیات‌شناسی (بیولوژی) و بعد شاخه‌های بین این دو مثل بیوشیمی (شیمی حیاتی) و امثال اینها وجود دارد. آنها می‌کوشند موجودات عالم طبیعت را آن‌چنان که هستند بشناسند. علوم طبیعی، ابزاری دارد که در خیلی علوم دیگر هم هست و آن عبارت است از ریاضیات. ریاضیات چیست؟ بیشتر نقش ابزار ایفا می‌کند. در فیزیک فضایی، فیزیک جوی و فضایی، می‌رود سراغ تحقیق پیرامون منظومه‌های شمسی کهکشان‌ها و امثال اینها و فضا و موجودات فضایی. این علوم طبیعی، شناختی درباره طبیعت برپایه کاوش درباره طبیعت به دست می‌دهد و از این شناخت در فنون استفاده می‌شود. این مسجد را که ساخته‌اند در نظر بگیرید. در ساختن آن فنون مختلفی به کار رفته است؛ فنّ معماری، فنّ مهندسی و محاسبات، فنّ آجرپزی، فنّ گچ‌پزی، فنّ سیمان‌پزی، فنّ شناخت و استخراج آهن و ساختن تیرآهن، فنّ جوشکاری، فنّ شیشه‌سازی و امثال اینها. همه اینها محصولات فنون است. این فنون از نتایج علمی علوم طبیعی استفاده می‌کنند. موضوع علوم طبیعی چیست؟ طبیعت. کاربرد فنون مربوط به این چیزهاست؛ ساختمان، ماشین و.... یک رشته وسیع دیگری از علوم داریم به نام علوم انسانی. علوم انسانی زمینه کارشان چیست؟ علوم طبیعی شناخت جهان را می‌رسانند اما تا کجا؟ تا مرز انسان. از این به بعد باید خود این موجود دو پا را شناخت که اعجوبه خلقت است و علومی که مسئولیت شناخت این اعجوبه دو پا را بر عهده دارند، آن‌قدر وسیع و گسترده شده و شاخه‌ها پیدا کرده‌اند که به یک بخش پهناور و وسیع از علوم امروز تبدیل شده‌اند.

انسان چیست؟ چه خواست‌هایی دارد؟ چه توان‌هایی دارد؟ چه امکاناتی دارد؟ بُرد شناختش چیست؟ تا کجا می‌تواند سر در بیاورد؟ بُرد عملش چیست؟ بُرد تصمیم‌گیری‌اش تا چه اندازه است؟ بر چه مبنا تصمیم می‌گیرد؟ جهت‌گیری‌اش در عمل چیست؟ به کدام‌سو می‌رود؟ چه هدفی دارد؟ چه قوانینی بر رفتار انسان حکومت می‌کند؟ رفتار انسان چه بازده و محصولی دارد؟ فرهنگ، ادبیات، شعر و نثر، زبان، پیوند زبان‌ها، زبان‌شناسی، تطورات زبان‌ها، آنچه به زبان درآمده، اندیشه‌های بشر، تفکرات او، اندیشه‌های شکل‌گرفته‌اش، سیستم‌های گوناگون تفکرات بشری، مکتب‌های گوناگون فلسفی، جامعه انسانی، روابط اجتماعی انسان، نظام‌های گوناگون و اشکال گوناگون این روابط، قوانینی که بشر وضع کرده، اثر این قوانین مثبت و منفی، کار نیک بشر، تقدیر او، جنایت و خیانت بشر، کیفر او، حقوق، حقوق مدنی، حقوق جزایی، زندگی اقتصادی بشر، پیوندها، روابط اقتصادی، عوامل اقتصادی، مولدها، تولیدها، توزیع‌ها، مصرف‌ها، طبقات اجتماعی ناشی از این، حالات روحی بشر، عواطف او، نقش عواطف در زندگی او، گوناگونی عواطف، خشم او، مهر او، رنج او، غم او، شادی او و آنچه به این مربوط می‌شود؛ موسیقی، هنر، هنرهای گوناگون، مجسمه‌سازی، نقاشی و صدها رشته دیگر هنری... . ملاحظه می‌کنید که علوم انسانی رشته وسیعی است. یکی از عوامل مادر که در درجه‌اول با همین انسان به بعد سروکار دارد اما راجع به قبل از انسان هم نظر دارد و بی‌نظر نیست، دین و مذهب است؛ اعم از ادیان الهی، ادیان ساخته‌شده خرافات و موهومات بشری یا ادیان ساخته‌شده فرهنگ‌های پیشرفته بشری. ادیان عموما پیامشان برای بشر این است که ای بشر! چگونه باش و به کدام سو رو، اما درعین‌حال نسبت به اصل جهان و پیدایش جهان و پیدایش انسان و کلیاتی درباره اصل هستی نیز نظر دارد و نظر می‌دهد، تا آنجا که اصولا نمی‌توانند انسان بریده از هستی و مبدأ و آغاز و غایت و فرجام هستی را مطرح کنند. اما متن کارشان، بیشتر از انسان به بعد است. علوم دینی هم امروز جزء کدام‌یک از این دو گروه به حساب می‌آید؟ علوم انسانی. در اصطلاح امروز، علوم دینی هم جزء علوم انسانی به حساب می‌آید. تا ۱۰، ۱۵ سال پیش، سراغ هر جوان بااستعدادی را می‌گرفتی سرش در رشته‌های علوم طبیعی بود. از آنجا سر در می‌آورد. همه استعدادها به کار می‌افتاد برای اینکه بتواند برود رشته‌های پزشکی، داروسازی، مهندسی، فیزیک، شیمی، اصلا علوم هم نه، فنون! پزشکی فن است. اصلا تمام استعدادها بیشتر سراغ فنون می‌رفت؛ چون در فنون پول درمی‌آید. در علوم طبیعی هم خیلی از پول خبری نیست. پول و شهرت و این چیزها بیشتر در فنون است. آن آقایی که این مدرسه را می‌سازد اصلا در رشته‌های فنی کار می‌کند؛ یعنی کاربرد علوم. اگر علوم هم آنجا می‌خواند برای کاربردش است. او درباره رشته‌های علمی تحقیق مستقل نمی‌کند. آن کسی که روی میزان مقاومت آلیاژهای مختلف تحقیق می‌کند، در رشته علوم طبیعی کار می‌کند. مهندس می‌آید محصول کار تحقیق او را در مدرسه یا دانشکده می‌خواند، کاربردش را هم یاد می‌گیرد و راهنمای معمار و فلزکار می‌شود که حالا اینجا باید چه آهنی از چه آلیاژی با چه بُعدی کار گذاشت. پول هم در این درمی‌آید. آن بنده خدایی که درباره میزان مقاومت آلیاژها کار می‌کند، حداکثر حقوقش به اندازه نصف درآمد روز بسازبفروش‌ها نیست. بنابراین استعدادها همه سراغ فنون می‌روند. چون زندگی در درآوردن پول و هرچه بیشتر و دلخواه‌تر مصرف‌کردن آن خلاصه شده بود. پیش از این رسما بازار علوم طبیعی هم کساد بود، علوم انسانی که دیگر هیچ! بازمانده‌های همه کنکورهای دیگر سر از رشته‌های مختلف علوم انسانی در می‌آوردند. دانشگاه، یک دانشکده هم مربوط به نام علوم دینی به نام دانشکده الهیات دارد. دیگر آنها که هیچ جا پذیرفته نمی‌شدند از آنجا سر درمی‌آوردند. حوزه چطور؟ حوزه برای آنهایی بود که حالا گاهی با سواد خواندن و نوشتن و گاهی هم بدون آن رو به حوزه‌ها می‌آوردند. مگر با یک استثنای خیلی محدود و درصد خیلی ضعیفی از عناصری که احیانا با دیدهای دیگری به حوزه یا به علوم انسانی می‌رفتند. آقای خاتمی، همین‌طور نبود؟ رنگ غالب، همین‌جوری بود که عرض می‌کنم. حالا آنچه من می‌گویم آقای خاتمی نمی‌تواند شاهدش باشد چون من دارم از آن دوره‌های قدیم می‌گویم. ایشان یک نصفه نسل بعد از من است. شاهد از غیب رسید! آقای دکتر احمدی رسیدند. ای کاش ایشان بودند و من عرضم را می‌گفتم تا شهادت می‌دادند.

ولی در این ۱۰، ۱۵ سال اخیر، مسئله، مسئله‌ای دیگر است. امروز ما ناظر این واقعیت اجتماعی هستیم که جوان‌هایی با استعدادهای برجسته، با یقین به اینکه می‌توانند در فلان و بهمان رشته فنی پول‌ساز یا علمی چنین و چنان از علوم طبیعی یا ریاضی که ابزار آن هست پذیرفته شوند، به علوم انسانی و از جمله علوم اسلامی رو می‌آورند. اینها دنبال چیز دیگری آمده‌اند. اینها اگر به حوزه قم می‌آیند، اگر به رشته جامعه‌شناسی دانشگاه می‌روند، دنبال این هستند که به چیز دیگری دست یابند. اینها در سنین نوجوانی آزادانه لمس کرده‌اند که «وَ مَا الْحَیاه الدُّنْیا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»! پوچی، بی‌ارزشی، بی‌محتوایی، بی‌پایگی زندگی منحصر در تولید و مصرف و در دور نافرجام تولید و مصرف پوسیدن را لمس کرده‌اند. آنها که از خانواده‌های مرفه برخاسته‌اند، داشته‌اند و لمس کرده‌اند. آنها که از خانواده‌های دردمند برخاسته‌اند، نداشته لمس کرده‌اند. دیروز خدمت یکی از دوستان عرض می‌کردم که به‌حق، دیدار با این جوانان و انس آنان با من همیشه از لذت‌بخش‌ترین ساعات زندگی بوده و هست. گاهی با وجود خستگی مفرط، برای گفت‌وگو با آنها وقت می‌دهم و در پایان گفت‌وگو می‌بینم، شاداب‌ترم؛ چه در دانشگاه و چه در حوزه. من نمی‌دانم چند تا از شما این‌جوری هستید. این را باید جناب آقای قدوسی که با شما مصاحبه می‌فرمایند بدانند و دوستان دیگر مثل جناب آقای مصباح که با شما کار می‌کنند و رفقا و دوستان دیگری که هستند بگویند. ولی من اجمالا می‌دانم در میان شما هم عناصری این‌گونه، کم یا بیش، هست و در حوزه فراوان است. اینها می‌گویند انسان در زندگی اگر بخواهد در حد انسانیت زندگی کند، قبل از هر چیز باید بینشی، جهان‌بینی‌ای، هدفی، راهی و مبنایی درست داشته باشد، والا حیوانی است که جلوی آخور رهایش کرده‌اند یا در آخورش پوست هندوانه و پوست گرمک است، یا کاه و یونجه و جو، یا پنبه‌دانه، یا عسل، مربا، کره، مرغ، فسنجان و چلوکباب ریخته‌اند؛ ولی بالاخره حیوانی سر در آخور است!

طی سه یا چهار سال اخیر یک چیز تازه پیدا شده است و آن این است که عده‌ای از علوم انسانی دانشگاه‌ها به علوم اسلامی دانشگاه‌ها رو می‌آورند. یعنی با اینکه رفته‌اند سراغ علوم انسانی، گمشده خود را آنجا هم پیدا نکرده‌اند، آن‌وقت فکر کرده‌اند بیایند سراغ حوزه و علوم اسلامی، شاید گمشده خود را اینجا پیدا کنند. در همین ماه‌های اخیر عده‌ای از دوستانی که سال آخر اقتصاد یا جامعه‌شناسی، که جزء شاداب‌ترین و سرزنده‌ترین رشته‌های علوم انسانی روز است، هستند، مکرر آمده‌اند که می‌خواهیم درسمان را تمام کنیم و اسممان را برای فوق لیسانس بنویسیم که سربازی نرویم. آیا طرحی چندساله که برای آشنایی پخته و علمی با قرآن و اسلام باشد دارید؟ در میان آنها چه عناصر جالبی هستند! دو نفر از آنها که در رشته اقتصاد مشغول به تحصیل هستند، هم معلم‌اند و در یکی از واحدهای فعال درس می‌دهند، هم یک فعالیت اجتماعی دارند، هم درس اقتصاد خوب خوانده‌اند، به‌طوری که یکی از آنها یک سخنرانی جالب اقتصادی در خود دانشکده اقتصاد کرد و هم عربی را خوب خوانده‌اند به‌طوری‌که یک کتاب اقتصاد عربی را که با متن خارجی آن بررسی می‌کنیم می‌بینی که خیلی خوب آن را می‌خوانند و معنی می‌کنند. مکرر مراجعه کرده‌اند. گروه‌هایی هم هستند از رشته‌های مختلف که می‌پرسند آیا راهی می‌شناسید که ما اول در زمینه علوم اسلامی کار کنیم، بعد برویم برای دکترای اقتصاد؟ دو نفر از بچه‌های بسیار خوب، از آن بچه‌های خودساخته، از خانواده‌ای که پدرشان راننده بوده و فوت هم شده بود، که برادر توأمان (دوقلو) هستند و فوق لیسانس جامعه‌شناسی دانشگاه را تمام کرده‌اند. من برای همفکری در طرحی با آنها صحبت می‌کردم، آن‌وقت طرح خودشان را برای آینده مطرح کردند. می‌گفتند بدون جهان‌بینی کامل عملی نیست، بنابراین بنا داریم مدتی را هم صرف آشنایی با مکتب‌های زنده برجسته فلسفی امروز دنیا بکنیم و فلسفه بخوانیم. چون مهد بیشتر این مکتب‌ها آلمان است، به‌خصوص در تماس بین متافیزیک و فیزیک، تصمیم داریم برویم آنجا بمانیم، آلمانی هم یاد بگیریم که مطالعات دست اول انجام دهیم (چه بلندهمت!) و بعد برگردیم. آیا برای بعد از برگشتن ما فکری دارید که بتوانیم به دنبال آن، آشنایی عمیقی هم با اسلام و فلسفه دوره اسلامی، در مدتی که با آن سن‌وسال و تحصیلات ما سازگار باشد، به دست بیاوریم؟ من نمی‌دانم شماها تاکنون با این‌جور جوان‌ها چقدر برخورد کرده‌اید؟ من مکرر برخورد دارم و اینکه می‌بینید با همه عوامل دلسردکننده، من همواره شاداب و سرشار از امیدم، به خاطر برخورد با چنین جوان‌های باهمتی است که به‌حق می‌توانند بهترین ذخیره آینده باشند.

رابطه علوم انسانی با علوم اسلامی

خوب آرام‌آرام از مقدمه رسیدیم به ذی‌المقدمه و آن اینکه علوم اسلامی به‌هرحال از علوم انسانی است. موضوع اصلی در علوم اسلامی چیست؟ انسان! اینها را عینا از روی این یادداشت‌ها می‌خوانم که منظم باشد. زمینه اصلی در ادیان و علوم انسانی، انسان است. شناخت انسان، بافت‌های گوناگونی که در هستی اوست، تاروپود او، خواست‌ها و نیازها از یک سو، توان‌ها و کارایی‌ها از سوی دیگر. انسان در ارتباط با محیط طبیعی‌اش یعنی جهان، انسان در ارتباط با محیط اجتماعی‌اش، با تارهایی که خود انسان در طول تاریخ مثل عنکبوت دوروبر خودش تنیده، جامعه. سازندگی انسان نسبت به خود و محیط خود، حدود این سازندگی، هدف این سازندگی، جهت‌ها و راه‌های عملی این سازندگی، زمینه‌های اصلی علوم انسانی و اسلامی است. تفاوت اصلی علوم انسانی متعارف با علوم اسلامی در چیست؟ تفاوت اصلی علوم انسانی متعارف مثل جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق، روان‌شناسی، تاریخ، ادبیات، هنر و امثال آن با علوم اسلامی، کجاست؟ عرض شد که زمینه علوم انسانی متعارفِ غیراسلامی که امروز در مدارس گوناگون دنیا می‌خوانند با زمینه علوم اسلامی که شما جزء خیل پاسدارانش هستید، یکی است. انسان، بافت‌های هستی او، نیازهای او، توان‌های او، میزان و حدود کارایی او، هدف این کارایی، جهت این کارایی، میزان خودسازی و محیط‌سازی‌اش، راه‌های علمی این خودسازی و محیط‌سازی، موضوع و زمینه همه علوم انسانی است. زمینه علوم اسلامی هم همین است. تفاوت اصلی‌شان در چیست؟ در این است که علوم انسانی متعارف در این راه تنها از مشاهده و تجربه و تحلیل استفاده می‌کند. یکی از دوستان فرمودند «آنچه هست را می‌نگرد». خیر، علوم انسانی امروز می‌خواهد علاوه بر آنچه هست، آنچه باید باشد را هم بر مبنای آنچه هست پیش‌بینی کند. همین‌طور که ما در علوم طبیعی پیش‌بینی علمی می‌کنیم، در علوم انسانی پیش‌بینی خودبه‌خود با «چه باید کرد؟» همراه است. ولی ابزار کارش، متد کارش، مبنای شناختنش، سرچشمه شناختش صرفا چیست؟ مشاهده، تجربه و تحلیل آن. در روان‌شناسی، انسان را مشاهده می‌کند، روی او تجربه هم می‌کند، تحلیل هم می‌کند و در انتها، جمع‌بندی می‌کند. اجازه دهید به جای مسئله تحلیل اضافه کنیم «و جمع‌بندی». در علوم اسلامی، قبل از هر چیز، یک کاوشگر سخنش این است که ببینم نخست سرچشمه وحی در این زمینه چه می‌گوید. انسان چیست؟ بافت‌ها، نیازها و توان‌هایش چیست؟ یک عالم اسلامی اول می‌خواهد ببیند وحی در این زمینه چه گفته است.

میزان کارایی و اختیار انسان چقدر است؟ اول می‌خواهد ببیند وحی در این زمینه چه گفته است. هدف لایق زندگی انسان چیست؟ اول می‌خواهد ببیند وحی در این زمینه چه گفته است. جهت‌ها و راه‌های عملی رسیدن انسان به آن هدف چیست؟ اول می‌خواهد ببیند وحی چه گفته است. پرسش‌هایی داریم قبل از وحی، پرسش‌هایی هم داریم بعد از وحی. قبل از وحی می‌پرسیم اصلا وحی‌ای در کار هست تا من سراغ آن بروم؟ باید شناخت و معرفت انسانی را به کار انداخت تا به وحی برسیم؛ معارف مربوط به اثبات خدا، یافتن خدا در جهان، پی‌بردن و راه‌بردن به خدا یا هر چیز دیگری که می‌خواهید اسم آن را بگذارید. خداشناسی، معارفی است که ما را به وحی می‌رساند و اینکه وحی یکی از واقعیت‌هاست و می‌تواند تکیه‌گاه بشر قرار گیرد. اینها همه قبل از وحی است.

بعد به وحی می‌رسیم. شناخت محتوای وحی. محتوای وحی را از کجا باید شناخت؟ امروزه گاهی می‌گویند برای محتوای وحی چندنفری در یک اتاق دربسته می‌نشینیم و بحث می‌کنیم تا ببینیم مصلحت بشریت چیست، آن‌وقت می‌گوییم این همان محتوای وحی است! عرض من را فهمیدید؟ چهار نفر، می‌خواهد صدساله، می‌خواهد ۱۵ساله یا ۲۰ساله، می‌خواهد عمامه‌به‌سر، می‌خواهد غیرمعمم، فرق نمی‌کند، می‌گویند می‌رویم در یک اتاق دربسته با هم می‌نشینیم و درباره مصلحت بشریت اندیشه آزاد می‌کنیم! آن روزها می‌گفتند بچه‌ها دور هم جیغ بنفش می‌کشند، بنده می‌خواهم بگویم اندیشه بنفش ترسیم می‌کنند! بعد هم می‌پزیم و می‌سازیم و می‌کشیم و سفره‌مان را پهن می‌کنیم و به تمام بشریت می‌گوییم هر که خواهان سعادت است بسم‌الله، وحی همین است که ما می‌گوییم! به نظر شما این راه صحیحی است؟ هیچ عاقلی پیدا می‌شود که بگوید این راه صحیحی است؟ البته که صحیح نیست.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● سخنگوی وزارت خارجه: هنوز زمان نهایی تکمیل نیروگاه بوشهر تعیین نشده است
● زلمای خلیل‌زاد، نماینده آمریکا در سازمان ملل: گزارش NIE دیپلماسی را در اولویت قرار داد
● دبیرکل حزب اعتماد ملی: رأی مردم را برای شب اول قبر نمی‌خواهیم
● افشار، معاون سیاسی وزیر کشور: در انتخابات جهت‌گیری سیاسی نداریم
● وزیر ارشاد: سالم‌سازی جامعه در گرو توجه به امور مساجد است
● فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: ظرفیت سپاه باید سه برابر شود

اعتماد

● وزیر کشور خواستار برخورد با منتقدان بلندپایه دولت شد
● وزیر بازرگانی: قیمت بالای نفت و احکام برنامه چهارم مقصر گرانی است
● کنعانی‌مقدم، دبیر ائتلاف حزب‌الله: بازار انتخابات بازار سهام نیست
● مصطفی تاج‌زاده: با انتخابات آزاد اصلاحات پیروز خواهد بود
● سخنگوی وزارت خارجه خبر داد: بررسی وضعیت گروه رجوی در مذاکرات ایران - آمریکا
● سردار فیروزآبادی: تغییر دولت در انگلستان و خروج نیروهای انگلیسی از بصره در برابر عملکرد مسئولان آمریکایی و موضع ضدجنگ علیه آنها نتیجه تلاش‌های مسئولان ایرانی است

ایران

● دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار قائم‌مقام وزیر خارجه هند: همکاری‌های ایران و هند ظرفیت چندجانبه‌گرایی را افزایش می‌دهد
● وزیر کشور: تمام تلاش خود را برای رایانه‌ای برگزارکردن انتخابات انجام می‌دهیم
● نماینده آمریکا در سازمان ملل: صدور قطع‌نامه علیه ایران با گزارش آژانس و نهادهای اطلاعاتی کار ساده‌ای نیست
● سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به بیانیه اتحادیه اروپایی درباره موضوع هسته‌ای ایران: اروپا تصمیمات غیرسازنده اتخاذ نکند
● رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: باید از توان مردم در تأمین امنیت جامعه استفاده کرد

آفتاب

● علیخانی، عضو فراکسیون اقلیت: ریشه گرانی سیاست‌های دولت است نه مافیا و رانت‌خواران
● دبیرکل حزب اعتماد ملی: خرج انتخابات ما نه از پول شهرداری بود نه از واردات شکر
● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: شیوه رهبری امام (ره) در چند ماه پایانی انقلاب یک شاهکار سیاسی بود
● مصباحی‌مقدم، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: عامل اصلی تورم دست‌های خرابکار نیست
● آقایی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران: نحوه بررسی صلاحیت‌ها همچنان نگرانی اصلاح‌طلبان است
● سخنگوی وزارت خارجه: گزارش اطلاعاتی آمریکا درباره ایران متناقض است
● زلمای خلیل‌زاد: برای قطع‌نامه سوم به زمان بیشتری نیاز است

جمهوری اسلامی

● فرمانده سپاه: پیشتازی سپاه در تولید علم و جنبش نرم‌افزاری مورد تأکید فرمانده معظم کل قواست
● سخنگوی وزارت خارجه: ایران آماده مذاکره بدون پیش‌شرط با گروه «۱ +۵» است
● ذوالقدر، معاون ستاد کل نیروهای مسلح: تشکیل معاونت بسیج در ستاد کل به معنای کاهش اختیارات سپاه نیست
● آیت‌الله شاهرودی در دیدار وزیر دادگستری تانزانیا: دستگاه قضائی ایران آماده انتقال تجربیات خود به کشورهای اسلامی است
● متکی در دیدار رئیس دفتر جدید یونسکو، بر اتخاذ راهکار برای حمایت از توسعه فناوری با اهداف صلح‌آمیز تأکید کرد
● سفیر آمریکا در سازمان ملل: آمریکا در منطقه منافعی دارد و اجازه نمی‌دهد ایران بر منطقه سیطره پیدا کند

اطلاعات

● احمدی‌نژاد: هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید و صادرات از راهکارهای دولت برای مهار تورم است
● وزیر کشور: شاخص‌های امنیتی کشور مثبت است
● فرمانده پلیس راه کشور: تفویض اختیارات قانونی به پلیس راه تلفات جاده‌ای را کاهش می‌دهد
● رئیس قوه قضائیه: دستگاه قضائی ایران آماده انتقال تجربیات خود به کشورهای اسلامی است
● دبیرکل حزب اعتماد ملی: باید فضای انتخابات را گرم نگه داشت
● سازمان بازرسی کل کشور افشا کرد: قراردادهای غیرواقعی بازیکنان فوتبال